



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۲۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵-۲۲ مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶ www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۴۳ اذان صبح فردا ۴:۱۴ طلوع آفتاب ۵:۵۷

واژگان یک فرهنگ

«کفش»: گیوه‌های باز یافته

ناصر فکوهی

■ تاریخ مدرنیته ایران، از ابتدای قرن بیستم با تاریخ ساخت نخستین کارخانه چرم‌سازی در تبریز (۱۳۰۸) مترادف بود. کارخانجاتی که تا ۳۰سال بعد تعداد آنها به بیش از ۲۰ واحد می‌رسد و تقریباً در همین زمان است که نام یک کارآفرین ایرانی مطرح می‌شود: محمدرحیم متقی‌ایروانی (۱۳۸۴-۱۲۹۹) موسس «کفش ملی» و بیش از ۵۰ واحد تولید کفش در ایران پس از آنکه تنها به مثابه واردکننده و فروشنده کفش‌های لائسیکی اروپای شرقی در این کار می‌کرد. «علی‌اصغر سعیدی» در کتابش موسوم به «واقعیت‌تجار و صاحبان صنایع در ایران دوره پهلوی» (۱۳۸۹) در کنار سایر خانواده‌های کارآفرین در این دوران شرحی نیز درباره ایروانی دارد.

کفش ملی در دوران طلایی خود که در سال‌های دهه ۱۳۴۰ بود، به خوبی می‌توانست سلاقی طبقه متوسط و رو به بالا را ارضا کند در حالی که در دهه‌های بعدی به تدریج کاربرد اعتباردهنده خود را در نظام «خودنمایی» اجتماعی به سود کفش‌های اروپایی با کفش‌های گرانقیمت‌تر ایرانی، از دست داد و از دهه‌های ۱۳۶۰ همراه با دولتی شدن آن، به‌خصوص به دلیل همراه شدن با نوعی اقتصاد دولتی و ناگزیر در این سال‌های جنگ و ابتدای انقلاب، تصویری همچون کفش‌های دولت‌های اروپای شرقی را عرضه می‌کرد.

از این زمان یعنی دهه ۱۳۴۰ و تقریباً به صورتی پیوسته، کفش‌های غیرایرانی و تجملی در اقبال بالایی جامعه به یکی از مهم‌ترین عناصر «اعتباردهندگی» اجتماعی تبدیل شدند، همان‌گونه که تواتر خرید کفش که در اوج دوره ورود ثروت‌های نفتی به دو یا سه جفت کفش برای اقبال متوسط رو به بالا (در عید و آغاز فصل‌های تابستان و پاییز) محدود می‌شد، شروع به افزایش کرد و فرایند «ست کردن» (to set) میان کفش و لباس، در چارچوب فرآیندی جهانی از یکسان‌سازی که در ایران از دوره نخست پهلوی معادل آمرانه خود را یافته بود، تعمیم پیدا کرد. «خسرو خسروی» نیز در همین دوران است که مقاله بسیار جالب توجهی درباره تاریخچه کفش منتشر می‌کند (کلوش، ۱۲، ۱۳۴۲).

از ابتدای دهه ۱۳۴۰، کفش‌ها هرچه بیشتر به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی افراد در همه‌جا تبدیل شد و اگر پیش از آن تنها در اقبال بسیار بالا (نظیر کفش‌های زردوز و ملیله‌دوزی‌شده زنان حرمسراهای قاجار) در اندرونی جای داشتند، اینک به صورتی گسترده و دموکراتیک از بیرون (طبیعت خالص) به درون (خانه و کفش‌های راحتی) نیز راه یافتند در حالی همه کارکردهای اجتماعی را پوشش می‌دادند (از اوقات کاری گرفته تا اوقات فراغت) و جدایی از طبیعت را حتی در مکان‌هایی چون کنار ساحل نیز از میان می‌بردند و حتی این جدایی را نه‌تنها با کف‌های ضخیم کفش بلکه شکل‌دار شدن این کف‌ها (میخ‌دار یا عاج‌دار شدن) بیشتر می‌کردند در حالی که به‌رهنگی، پای جنبه‌ای «شاعرانه» و نوستالژیک می‌دادند و آن را در ادبیات از جمله در ایران و در جهان با تمثیل «صدای پای آب» یا سایر عناصر طبیعت در زیبایی در برابر زشتی «صدای کفش یا پاشنه» نمایان می‌کردند و در نهایت تنها یک‌جا بود که درصورت کارکردی و نمادین بودن از بدن جا می‌شدند:

در هنگام خواب و فرو رفتن نادرین به درون‌مرگی موقت، از این‌رو جالب‌توجه است که برخی از نهادهای سخت آمرانه نظیر نظامیان و چریک‌های مسلح، اهمیت زیادی به «آمادگی دایمی» در مفهوم «بیرون‌نواردن چکمه‌ها از پا می‌دادند»

دموکراتیک شدن مفهوم کفش با همین مفهوم در حوزه مد، از جمله در زمینه اهمیت قابل شدن برای «مارک» و محل ساخت کفش نیز همراه بود. کفش‌ها که اینک به بخشی اساسی از سبک زندگی تبدیل شده بودند، در بدن دخالت می‌کردند تا آن را بلندتر کنند (کفش پاشنه‌لند)، یا درمناش کنند (کفش طبی)، یا بسن را فرامی‌گیرد (چکمه‌های بلند) یا حتی به نماد و نشانه‌های سیاسی بدل شوند (پرتاب کفش در یک سخنرانی جورج دبلیو.بوش رییس‌جمهور آمریکا در عراق اشغال‌شده به وسیله یک خبرنگار عراقی که تا مدتی به حرکتی رایج نیز تبدیل شد) (دسامبر ۲۰۰۸/آذر ۱۳۸۸).

رابطه دیگری که کفش و مدرنیته در فرهنگ ایرانی ایجاد می‌کنند، رابطه آنها از خلال فضای «خانگی» و سبک زندگی مربوط به آن است: اینکه در «خانه» با کفش راه برویم یا بدون آن و البته ظهور شینی جدید به نام «کافکشی» که به نوعی در پی سازش سنت و مدرنیته است تا کفش‌ها نه بیرون از خانه (یا زندگی) بمانند (به سبک سنت روستایی) و نه واقعاً به درون زندگی نزدیک راه یابند در نهایت در تداوم فرهنگ ما به نقطه‌ای رسیدیم که گویی به گونه‌ای چرخه‌ای مارا به آغاز روایت تاریخ کفش می‌رساند: از یک‌سو نوعی نوستالژی برای پارچه‌گی که بیشتر به آن اشاره کردیم و برای کفشی‌هایی که باید این بار پس‌زمینه را در مدرنیته زنده کنند؛ یعنی گیوه‌هایی هرچه گرانقیمت‌تر که نه‌تنها به برخی از شهرنشینان ثروتمند با اسرمایه فرهنگی بالا (مثلاً هنرمندان و روشنفکران) آنها را لاقل در برخی از شرایط به کفش‌های متعارف ترجیح می‌دهند که به‌عنوان سوغات نیز به خارج از ایران می‌برند و از سوی دیگر، بحران اقتصادی خود را در شکافی روشن میان آنها که حاضرند هزینه زیادی برای تمایز خوش از دیگران و خودنمایی بپردازند و آنهایی که تنها راضی به برخورداری از کفشی «تمیز و سالم» و نه لزوماً «براق» هستند، نشان می‌دهد.

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۲۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵-۲۲ مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶ www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۴۳ اذان صبح فردا ۴:۱۴ طلوع آفتاب ۵:۵۷

برداشت آخر

«ارنست بورگناین» در گذشت

مرثیه‌ای برای یک سنگین‌وزن

ساسان گلفر

یکی از آخرین بازماندگان عصر طلایی هالیوود، ارنست بورگناین، یکشنبه در بیمارستانی در لس‌آنجلس درگذشت. ارنست بورگناین در سن ۹۵ سالگی به علت ابتلا به بیماری کلیوی درگذشت. این بازیگر شخصیت که اغلب در نقش افراد سنگین وزن جا می‌افتاد و جاشنی مهربانی را به قد و قامت زمخت خود می‌افزود، برای ایفای نقش یک قصاب عاشق در فیلم «مارتی» (۱۹۵۵) موفق به دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد نقش اول شده بود. «مارتی» به کارگردانی دلبرت مان و با فیلمنامه پدی چایفسکی به عبارتی



اولین فیلمی بود که دیالوگ‌گویی نزدیک به محاوره مردم عادی را وارد جریان اصلی سینمای هالیوود و جایگزین سبک فاخر سخن گفتن ستارگان آن زمان کرد. بورگناین توانست اثبات کند که برای ستاره شدن در هالیوود داشتن چهره و قامت جذاب ضروری نیست. وی پس از دریافت جایزه اسکار به این نکته اشاره کرد: «مجبور نیستید قدبلند، آفتاب‌سوخته و خوش قیافه باشید تا ستاره سینما شوید. من اولین کسی بودم که این مساله را به اثبات رساندم.» تنها فرزند خانواده‌ای از مهاجران ایتالیایی و متولد ۱۹۱۷ در کنتیکت بود با نام اصلی ارمز آفرون بورگنینو. در کودکی بیش از

گزارش اقلیت

خیابان ریزش کرد، شهرداری توجه نکرد

قنادی «لادن» تعطیل شد

شرق: تا ۱۰روز دیگر ماه مبارک رمضان آغاز می‌شود و زولبیا و بامیه در سیدغذایی مسلمانان در ماه میهمانی خدا قرار می‌گیرد. اما خبر بد، گرانی این قلم از شیرینی نیست. شیرینی‌فروشی «لادن» در معروف‌ترین شیرینی‌پزی‌های تهران که از قضا زولبیا و بامیه‌اش هم شهره شهر است، ساختمانش به دلیل نقص در عملیات عمرانی برای احداث ایستگاه مترو در منطقه امیریه تهران ریزش و تعطیل شده است. «حامد لادن» مدیر قنادی «لادن» در منطقه امیریه با اعلام تعطیلی این شیرینی‌پزی قدیمی در گفت‌وگو با «شرق» درباره علت این اتفاق گفت: «یکشنبه هفته گذشته از طریق همسایگان مطلع شدم که خیابان ولیعصر به دلیل ترکیدن لوله اصلی آب، هنگام گود برداری‌ای که توسط شرکت مترو تهران صورت گرفته ریزش کرده است. ساعت یک بامداد مأموران شهرداری و شرکت آب و فاضلاب در محل حاضر شدند و بدون اینکه به دنبال حل مشکل اصلی باشند، با شن و ماسه گودال ایجاد شده را پُر کردند. فرای آن روز به شیرینی‌پزی رفتم. آب در مغازه نشست و سقف کارگاه شیرینی‌پزی نیز



رویداد

«یعقوب یادعلی» سرانجام تبرئه شد

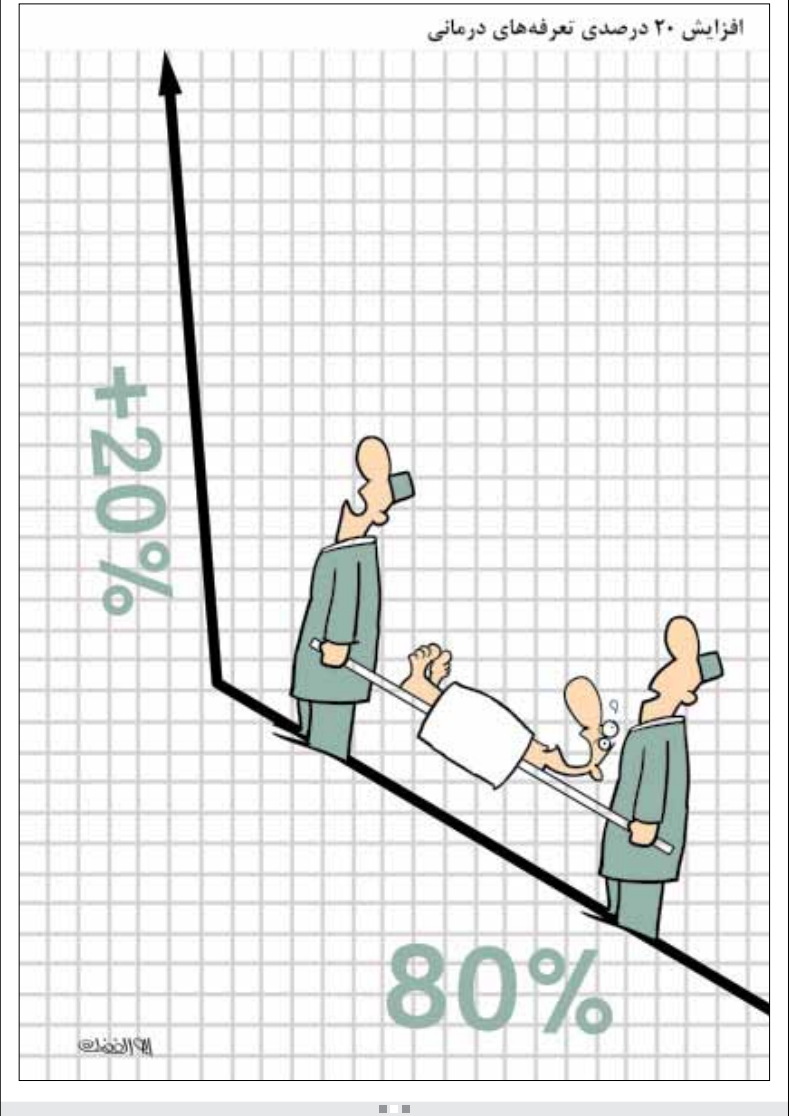
ایستنا: به دنبال پذیرش اعمال ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از سوی رییس قوهقضاییه، دادگاه تجدیدنظر استان کهگیلویه و بویراحمد محکومیت پیشین یعقوب یادعلی را نقض و او را از اتهامات وارده تبرئه کرد. صالح نیکیخت- وکیل مدافع یعقوب یادعلی- در این زمینه تصریح کرد: یکی از اهالی یاسوج که خود را نماینده مردم این سامان معرفی کرده بود، در شکواییه‌ای به دادرسی عمومی و انقلاب یاسوج مدعی شده بود که بعضی از مطالب کتاب‌های «آداب بی‌قراری» و «حالات‌ها در حیات» که در آن از لهجه محلی استفاده شده و در آن یک زن محلی عاشق یک مرد غریبه غریبومی شده است، توهین به اعتقادات مردم این سامان است که به موجب آن موکل از سوی دادرسرا بازداشت و پس از گزارش‌هایی که از سوی مراجع تهیه شده بود، یعقوب یادعلی در شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی یاسوج به یک سال زندان محکوم شد که ۹ ماه از آن تعلیق شده بود. وی افزود: بر اساس حکم صادره، موکل‌م موظف شده بود هم از جهت اعاده حیثیت و هم به منظور اجرای دستور دادگاه، هر شش ماه، یک مقاله درخصوص یکی از چهره‌های شاخص استان حداقل در یک صفحه تهیه و به ه‌زینه خود در یکی از هفته‌نامه‌های محلی



سه‌شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۱ - ۲۰ شعبان ۱۴۲۲ - ۹ ژوئیه ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۷۲ - شماره ۶۴۹ دوره جدید - ۲صفحه

ابوالفضل محترمی

untoons@gmail.com



ادامه از صفحه اول

استادان بی‌جانشین

حقوق‌اند که این دانشکده را در تمام رشته‌های تخصصی حقوق چندین گام بسیار بلند به جلو بردند. محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، ناصر کاتوزیان، سیدحسین صفایی، حسن‌علی درودیان، علی آزمایش، محمد آشوری، حسن دادیان، عبدالحمید ابوالحمد، عزت‌الله عراقی، هوشنگ مقتدر، نجاد علی‌الماسی، علی مهذب، ابوالقاسم گرجی، ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، جواد واحدی و... نام‌های درخشان اساتید بزرگی‌اند که استنادی را نه با تعارفات مرسوم یا فقط با احکام اداری بلکه با عمری تلاش علمی و صداقت‌کاری بر رعایت‌اصول معلمی نصب خودساخته‌اند. از این گروه عده‌ای امروز دیگر در میان ما نیستند. طرفه آن که جایشان خالی مانده است و بیم آن است که جای آنان که امروز از لطف حضورشان هنوز همزبورمندیم فردا و فرداها خالی بماند.حقوق فقط علم نیست، حقوق ملغمه‌ای است از دانش و ایمان، چرا که با عدالت سرو کار دارد. دکتر حسن دادیان همانند اغلب هم‌سلان همکارش در دانشکده حقوق در زمره حقوقدانانی بود که آمیزه دانش حقوق و ایمان به عدالت را در خود پرورده بود و همه سعی خود را در همه عمر شریف معلمی‌اش با رعایت اصول و اخلاق استادی به کار بست تا در دانشجویان خود بیاموزد که قانون یعنی عدالت و قاضی یا دادستان یا بازرس یا وکیل فقط باید در اندیشه یک چیز باشند، اجرای قانون و عدالت با رعایت کمال حقوق متهم و هیچ‌چیز نمی‌تواند سبک شمردن یا نقض حقوق هیچ متهمی را مجاز و موجه جلوه دهد.

خدايش بيامزد

برش از اخبار

پایان دومین دوسالانه تصویرگری «نیایش»

مراسم اختتامیه دومین دوسالانه تصویرگری نیایش با حضور قائممقام تولیت آستان قدس رضوی و هنرمندان تصویرگر کشور در تالار نور مشهد برگزار شد. در این دوره از دوسالانه تصویرگری نیایش ۴۹۰ هنرمند از ۲۹ استان کشور یک‌هزار و ۵۸۴ اثر را به دبیرخانه دوسالانه ارسال کردند که این تعداد اثر در دو مرحله داری شد و ۱۸۰ اثر به بخش نمایشگاهی راه یافت. در پایان این مراسم، کتاب آثار برگزیده دوسالانه تصویرگری نیایش رونمایی و از برگزیدگان این دوسالانه تجلیل شد. در بخش تصویرگری کتاب با موضوع داستان‌های مذهبی، هیچ اثری شایسته رتبه اول نشد و سیدحسام‌الدین طباطبایی و پیمان رحیم‌زاده نفرات دوم و سوم شدند، همچنین در این بخش سحر خراسانی، مریم طباطبایی و حسن

تبیین اندیشه با حضور «دیهیمی» و «فرهادپور»

جلسه اول از سلسله نشست‌های تبیین اندیشه با محوریت موضوع «لشو اشتراوس» با سخنرانی خشایار دیهیمی و علی معظمی پنجشنبه هفته جاری از ساعت ۱۶ الی ۱۸ بر موسسه «پرسش» برگزار می‌شود. جلسه دوم در روز مذکور از ساعت ۱۸ الی ۲۰ برگزار می‌شود که در رابطه با «والتر بنیامین» است و با سخنرانی مراد فرهادپور،حسین نمکین و خاتم بارانه عمادیان همراه است. علاقمندان برای حضور در این جلسه‌ها می‌توانند به آدرس: خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، کوچه ساعی یکم، پلاک ۷، زنگ دوم مراجعه یا با تلفن۸۸۶۵۸۶۰۳ تماس بگیرند

مرگ مولف

به مناسبت سالمرگ «ویلیام فاکنر»

«جایزه نوبل» در مزرعه

اسدالله امرایی



■ سالمرگ «ویلیام فاکنر» است. نویسنده نمی‌میرد و تا وقتی آثارش هست او هم هست. بیش از ۱۱۰ سال از سالروز تولدش می‌گذرد و ایضا ۵۰ سالی از زمان مرگش. اما همین که امروز به یاد او هستیم یعنی نویسنده نمرده است. فاکنر خود را نویسنده نمی‌دانست. می‌گفت من کشاورزی هستم که گاهی داستان نیز می‌نویسد. در نوامبر ۱۹۴۹ خبر جایزه نوبل را سر مزرعه او دادند. ویلیام فاکنر همپای «همینگوی» از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم است. رمان «خشم و هیاهو» را ابتدا چندان تحویل نگرفتند. موضوع کتاب وصف فساد اشرافیت جنوب آمریکا بود و منتقدان بانفوذ جنوبی خوششان نیامد و پنبه کتاب را زدند. عنوان کتاب برگرفته از تک‌گویی «هکبث» و باطل اباطیل است که در آن زندگی به حکایتی پر از خشم و هیاهو تشبیه می‌شود که از زبان دلنقی گفته می‌شود. فاکنر در همین رمان از تک‌گویی درونی و جریان سیال ذهن بهره برد. رمان «حریم» برای فاکنر شهرت و ثروت به همراه آورد. حریم، داستان لیتچ و کشتار بدون محاکمه، فساد و هتک حرمت است. ناشر در ابتدا از چاپ این رمان ترسید. پس از انتشار، محبوبیت فراوان رمان فاکنر را به اوج رساند. عاشق جنوب آمریکا بود؛ محل زادگاهش و جایی که تقریباً تمام عمرش را به استثنای مدت کوتاهی در آن سپری کرد. اما پیش از هرکس دیگر، فساد و انحطاط جنوب را که در زمین‌داری و برده‌داری بود، حس می‌کرد. فاکنر سرزمینی خیالی آفرید به اسم «یوئکاتافلوا» که بعدها «مارکر» هم به تقلید از او «ماکونندو» را ساخت تا به قول «آخوندزاده» حرف خود را از زبان دیگران بگوید در مکانی دیگر. این هنر نویسنده است برای گریز از پاسخگویی به متعصبان. صبح‌ها نویسنده بود و عصرها نجیب‌زاده‌ای میان خانواده‌ای بزرگ که او را بیش‌تر به عنوان مزرعه‌دار



می‌شناختند تا نویسنده. مردی کم‌حرف بود که هرگز آثار ادبیات صحبت نمی‌کرد. با این حال بزرگ‌ترین آثار ادبی معاصر را خلق کرد. آثار فاکنر به فارسی ترجمه شده، بعضی از این آثار با ترجمه‌های خوب هنوز خوانندگان زیادی دارد. خشم و هیاهو را «همین شعلور» ترجمه کرده و بعدها ترجمه‌ای از آن به قلم «دکتر صالح حسینی» منتشر شد. رمان افتاده که جان می‌سپارم او را «جفت دریابندری» با عنوان «گوربه‌گور» ترجمه کرد که «مسعود طوفان» نقد مفصل بی‌پاسخی بر آن نوشت. آثار دیگرش هم به تناوب ترجمه و منتشر شده. جمله طلایی‌اش نوشتن عرق‌ریزان روح است. ورد یان همه نویسندگان است. برخیز موسی، ناخوانده در غبار، خرس و یک شاخه گل سرخ برای امیلی و آثار دیگر تلگرافی‌تر از این هم می‌شود از فاکنر گفت. البته بعضی املائی اسم او را با همان غلط مصطلح فاکنر می‌نویسند.

دکه

«آسمان» ۱۸ آمد

■ شماره ۱۸ مجله هفتگی خبری- تحلیلی «آسمان» منتشر شد. در این شماره گفت‌وگویی با «علی جنتی» فرزند آیت‌الله جنتی منتشر شده است. در این گفت‌وگو علی جنتی درباره پدرش، احمدی‌نژاد، اصلاحات، سوریه و ... صحبت کرده است. گزارش اجتماعی آسمان درباره کراوات است که با تیتُر «کراوات بد حجایی نیست، حجاب بیشتر است» منتشر شده است. چند یادداشت درباره نسبت انقلاب‌های ایران و مصر از دیگر بخش‌های «آسمان ۱۸» است که با آثار و گفتاری از غلامحسین کرباسچی، عباس عابدی، عمادالدین باقی، حسین عبده تبریزی و ... منتشر شده است. «آسمان» در ۱۰۰ صفحه به قیمت ۳۰۰۰ تومان در دسترس مخاطبان است.